

هُوَ الْحَكِيمُ

عنوان:

نظریه‌ی معاد جسمانی آقا علی مدرس زنوزی

آیت‌الله سید حسن سعادت مصطفوی



مرحوم آقا علی مدرس، این جا این رو می گه؛ می گه این نفس که بدن رو تدبیر می کنه، از چیزهای تکوینی که نفس حتی با توجه هم انجام نمی ده، اثری هست که روی اجزاء می گذاره. این اجزاء بدن، چون نفس، این ها رو تدبیر کرده بدن را، این اجزاء، خواه ناخواه یک اثر تکوینی، نفس روی این ها می گذاره بدون شعور او؛ بدون اینکه توجه داشته باشه که چی گذاشته. این اثر این هست که این جزء بدنی، این اجزاء بدنی، تحت تاثیر نفس که قرار می گیرن، یک حالتی در این ها پیدا می شه، که اون حالتی ست که کشش به نفس دارن، نفس رو دوست دارن! طبیعی هست! این وقتی رو این اجزاء، این حالت پیدا شد، بدون اینکه نفس به اون ها توجه داشته باشه که چه کرده، این وقتی این آثار پیدا می شه، نفس که جدا می شه، این آثار می مونه؛

این آثار روی اجزاء می مونه؛ یعنی اون اثری که نفس گذاشته روی اجزاء بدن موند. حالا که موند نفس ازش جدا شد، خب این باید حرکت کنه خودش رو برسونه به نفس. وقتی نفس ازش جدا می شه می فرمایند بعضی از این نفوس اینقدر قوی هستند که این اثری که از خودشون در اجزاء می گذارند، اجزاء رو حتی سالم نگه می داره! سالم!

خود ایشان می فرمایند رفتم بدن شیخ صدوق رو اجازه گرفتم، رفتم تو سرداب دیدم کانه نائم! رشیخ صدوق رحمه الله علیه، در زمان فتحعلی شاه قاجار، یک سیلی آمد در طرف های ری؛ همه ی این قبرستان از بین برد! سیل آمد تو سردابی که شیخ صدوق هم بود، اون سرداب هم پر آب شد، اما بدن شیخ صدوق تو کفن رو آب بود! که صبح همه ی ارکان دولت رفتند تماشا.

بعد بدن شیخ صدوق، سالم! و حتی گفتند حنایی که در انگشتانش هم بود (حنا می بستند) این حنا رو انگشتانش بود، فقط گوشه ای از کفنش در اثر رطوبت پاره شده بود! بعد آمدند و دو مرتبه درست کردند، ایشان الان تو سرداب هست، یک تختی درست کردند و بدنش رو خواباندند روش.

زمان ناصرالدین شاه، مرحوم آقا علی مدرس اون زمان ناصرالدین شاه بوده دیگه! یک فاصله ای هم شده بود از زمان فتحعلی شاه؛ ایشان اجازه می گیره، ایشان خب شخصیت علمی بوده، می گه رفتم تو سرداب، شیخ صدوق رو دیدم خوابیده، کانه نائم! مثل خواب! مثل یک آدم خواب!

خب این معلوم هست این اجزائی که نفس گذاشته روی این بدن، اونقدر قوی هست این اثر که این بدن نگذاشته که اصلاً متلاشی بشه! از متلاشیش جلوگیری کرده. و بدن بعضی بزرگان، معصومین که سر جای خودشون دارند و شهدای طراز اول؛ بعضی از اولیاء خدا، معصومین علیهم السلام، بعضی که معصوم در گناه هستن البته! گناه نمی‌کنن، نه اون معصوم مطلق که ما می‌گیم! بعضی از این بزرگان بدن‌هاشون چرا تازه می‌مونه؟ برای اون اثر طبیعی‌ست که خواه ناخواه، نفس روی این بدن گذاشته! و این اثر اونقدر قوی هست که بدن رو نگه داشته! ولی باقی مردم نه! این بدن متلاشی می‌شه! اجزاء پراکنده می‌شن، اما اون اثر روی اجزاء هست، اون شوق رو اجزاء دارند، به اینکه به این بدن پیوندند؛ اجزاء پراکنده شدند، ولی شوق این‌ها دم‌به‌دم زیادتر می‌شه که خود رو برسانند به کمال‌شون! و نزدیک‌ترین کمال‌شون این هست که خود رو برسانند به نفس! لذا می‌فرمایند حالا که مرده رو دفن کردید، چه این بدنش اجزاء باقی باشه، چه متلاشی باشه، این‌ها دائماً این اجزاء در حرکتند، چون عالم، عالم حرکت هست! عالم، عالم جنبش و تغیر هست. ما وقتی می‌گیم حرکت، مقصودمون حرکت مکانی نیست که! تغیر، تبدل، این لازمه‌ی عالم هست. هر موجودی از نقص به کمال که می‌رسه، ما می‌گیم حرکت؛ این‌ها حرکت می‌کنند؛ وقتی حرکت کنند نزدیک‌ترین چیزی که می‌خوان خود را به اون برسانند، نفس هست!

لذا این‌ها همین‌جور حرکت می‌کنند تا کامل می‌شن، به نفس می‌رسد. روز قیامت موقعی می‌رسد که تمام این اجزاء ابدان، در اثر حرکت‌ها، رسیدند به نفس! لذا می‌فرمایند نفس نماید طرف اجزاء، اجزاء می‌ره طرف نفس! این حرکتی که اجزاء دارند خود رو می‌رسانند به نفس، این اون وقت می‌شه معاد جسمانی! تو همین دنیا بدون اینکه باز بگیریم از برزخ آمدن تو دنیا! نه! تو همین دنیا، این اجزاء متصل می‌شن به ابدان، می‌شه حیات جسمانی دنیوی، اما بعد از تکامل اجزاء در این‌جا. این معادی که ایشون ثابت می‌کنه، به نظر می‌رسد که لا غبارَ علیه (بی‌عیب و نقص)؛ اشکالی نشه براش کرد. این اجزاء که تکامل پیدا کردند، نزدیک‌تر به اون‌ها از نفس نیست. نفساً الّتی فارقت عنه الّتی کانت فاعله له و کانت بها تامیة شخصیه. شخصیت این‌ها به نفس بوده، لذا کمال این‌ها این هست که متصل بشن به نفس. و این به نظر می‌رسد با اصول فلسفی هیچ تراحمی نداره، تضادی نداره. و بعد از اینکه می‌ایم به این عالم ماده، عالم ماده، عالم حرکت هست. لذا حرکت موجوداتی یک معادی جمیع عالم داره که باید بره به طرف کمال. از جمله این اجزاء متصل می‌شن به نفس، و آن وقت هم که متصل شدند، دیگه کمالات دنیوی هم دارند، کمالات اخروی که هر موجودی شما بدانید که کمال بالاتر می‌رسد کمال پایین رو ول نمی‌کنه! موجودی که کمال بالا رو داره، کمال پایین هم واجد هست!